

سیاست اقتصادی خارجه کشورهای متحده آمریکا

نطق و . ل . کلايتون معاون اقتصادی وزارت امور خارجه کشور های متحده در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۴۶ در سی و سومین جلسه انجمن ملی تجارت خارجی در نیویورک ایراد گردیده است.

اینک که زمانه و علوم آن عواله طبیعی را که بجای برج و بارو برای طرفداران سیاست انزوا و گوشه نشینی بکار میرفت از بین برده است ملت امریکا متوجه مسئولیتهای خود در اشتراك کامل در اداره امور جهان گردیده و ظاهراً از این عمل نیز خوشنود میباشد .

هرچه نباشد این عقیده را میتوان دست کم از توجهی که بخصوص در عالم مطبوعات و رادیو باین موضوع میدهند استنباط نمود . اگر تاکنون نسبت به جنبه های سیاسی سیاست خارجی ما ناکیدی بعمل میامد اینک میخواهم امشب توجه شما را به جنبه های اقتصادی آن معطوف سازم . هر دو این مسائل بهم بستگی و ارتباط کامل دارند .

هدف سیاست اقتصادی خارجی دولت متحده ریختن اساس و شالوده صلح در پرتو توسعه اقتصادی جهان است ، با بعبارت دیگر از دیاد تولید - تقسیم آن - توزیع و مصرف کالا در سراسر جهان میباشد تا مردم اکناف جهان بتوانند خوراک بیشتر و پوشاک بیشتر داشته باشد و در خانه های بهتری زندگانی نمایند .

این مسئله خیلی ساده بنظر میاید . آیا اینطور نیست ؟ و راستی هم ساده است . فقط موضوع تنظیم اقدامات مربوط با اجرای این مقصد است که ما را با برخی مخالفتها و اشکالات مصادف میسازد .

ژوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پس بدوا بپردازیم به بررسی هدف و آرمان خود . بطوریکه گفته شد مقصد خیلی ساده است . اما برای اتخاذ آن مدعی به داشتن هیچگونه معرک و موتیو نوع پرستانه نمیباشیم ، لیکن چنانچه حقوق و منافع سایرین را کما هوحقه مراعات نمائیم تصور نیروود در این عمل که برای حفظ و حمایت منافع روشن خود مینمائیم چیزی متناقض و ناسازگار موجود باشد ، ایندو موضوع در واقع تواما سیر و پیشرفت میکنند .

پس باید اذعان نمود که مقصد ما متکی به سوابق نیازمندیها و منافع ملت دولت متحده میباشد . در واقع استعداد و نیروی ما برای تولید بسیاری از کالا های مهم از استعداد و نیروی بقیه جهان متفقاً تجاوز میکند .

لیکن این استعداد مجهز برای تولید بعضی چیزهائی است که بیش از احتیاج ملت ما میباشد و حال آنکه ما احتیاج زیاد به چیز های دیگر داریم که خود نمیتوانیم آنها را تولید کنیم . بنابر این عملیات بزرگ و مؤثری که ماشین تولید ما انجام میدهد ما را از یکطرف از خیلی چیز ها محروم ساخته و از طرف دیگر بسیاری از چیز ها را بعد و فور خیلی بیش از آنچه احتیاج داریم تدارک مینماید . بهمین دلیل مجبوریم با بقیه جهان تجارت کنیم .

سیاست اقتصادی خارجه کشور های متحده آمریکا

ما احتیاج به بازار داریم - آنهم بازار های بزرگ در هر نقطه از جهان که در انجا مبادرت به خرید و فروش نمایم ، ما در هیچک از این بازار ها جویای مزایای خاص نیستیم و امیدواریم که سایرین نیز نه مزایایی بخواهند و نه بآنها اعطاء گردد .

در منشور اتلانتیک و بعد در قرار داد های کمک متقابل اصول دسترسی آزاد را به بازرگانی مواد خام در جهان برای هر کشوری بطور تساوی قائل شدیم . ما پای بند این اصل میباشیم . این نکته اصلی است . معنی این بازرگانی آزاد نیست بلکه منظور بازرگانی بلا تبعیض است .

تا اینجا آنچه که گفته شد راجع به سیاست اقتصادی بود . اینک ببینیم چطور میتوان آنرا بموقع اجرا گذارد . اقداماتی که برای اجرای این سیاست ضروری است عبارت از دو مقوله خواهد بود . اولی مربوط به مساعدتهای مالی است نسبت به پاره ای از کشور ها که نیازمند دستگیری - تجدید ساختمان - عمران و آبادی میباشند .

پس از خانه جنگ حکومت دول متحده در حدود ۳ بیلیون دلار در خارجه برای دستگیری های فوری و عمران پرداخته است . اضافه بر آن برای تجدید ساختمان و آبادی در کشور های خارجه اعتباراتی داده که از اموال و کالا های مازاد خریداری نمایند و از آن محل وسائل پرداخت مالی بهای آخرین اجناس وام و اجاره و کالا های موجود و بجزیره را فراهم سازند . اعتباراتی که بالغ بر ۱۷ بیلیون دلار میشود . جمع کل وجوه و اعتبارات تأیید شده رو بهیم بالغ بر ۲۰ بیلیون دلار است .

تقریباً نصف این مبلغ وجوهی است که حکومت دول متحده بسازمانهای بین المللی اعانه داده و سایر حکومتها نیز سهم خود به آن مطالبی کمک کرده اند . اگر این مساعدتها نبود و بارقه امیدی از اعطای آن در قلوب ملیونها مردم نمیدرخشید قطعاً متعاقب خانه جنگ جهانی هرج و مرج در برخی از کشور ها خود نمایی نموده و اعاده وضع جهان بحال عادی می شک بر روی سالهای زیادی بتأخیر میافتاد . مقوله دوم از اقدامات برای رسیدن به هدف ما مربوط به مرتفع ساختن تبعیضات و تقلیل تعرفه ها و سایر سد هایی است که بازرگانی جهان را عقبه و عمل تولید و مصرف کالا را محدود ساخته است .

دول متحده در این میدان در يك جبهه وسیعی شروع بحرکت نموده است . در تابستان سال ۱۹۴۵ قانون قرار داد های بازرگانی متقابل هل از طرف کنگره برای چهارمین بار با اختیارات وسیعتری تجدید شد .

در حدود یکسال قبل دولت پیشنهاداتی برای بسط بازرگانی جهان و ایجاد کار متشر ساخت در این پیشنهادات راجع بمسائلی از قبیل تقلیل سد های بازرگانی - از بین بردن تبعیضات در بازرگانی بین المللی - جلوگیری از محدود ساختن بازرگانی بین المللی در اثر عملیات کارتل ها و اتحادیه ها - انعقاد قرار داد های بین دول راجع به ترتیب حل مسائل مربوط به کالا های مازاد - اتخاذ يك قانون مشترك برای تنظیم مقررات بازرگانی بین المللی بین دول و ایجاد يك سازمان بین المللی بازرگانی در تحت نظر شورای اجتماعی و اقتصادی که مجری آن قانون باشد نکاتی ذکر شده است . قریب یکسال پیش حکومت دولت پادشاهی بریتانیای کبیر موافقت کامل خود را با کلیه نکات

مهم این پیشنهادات اعلام و پیشنهادات نامبرده را بعنوان اساس و شالده مذاکرات بین‌المللی قبول نمود بعد اعلامی نظیر آن از طرف حکومت فرانسه بعمل آمد. از ۱۵ اکتبر نمایندگان دولت ما در لندن با نمایندگان ۱۷ کشور دیگر بعنوان کارمندان يك کمیته مقدماتی کنفرانس بازرگانی و ایجاد کار ملل متفق ملاقات و در اطراف طرح نقشه هائی جهت يك قرار داد جامع بین‌المللی و شرایط بازرگانی و پیشنهاد منشوری برای يك سازمان بین‌المللی بازرگانی مذاکره کرده‌اند این کنفرانس از طرف شورای اجتماعی و اقتصادی ملل متفق دعوت شده بود.

در بهار تیه دوباره با همان کشورها برای مذاکره در تقلیل تعرفه های معین - ازین بردن تبعیضات در بازرگانی بین‌المللی و برای رسیدن به موافقت قطعی تر راجع به منشور نامبرده ملاقات و مذاکره خواهد شد. سپس در تابستان یا پاییز آتی امیدواریم که يك کنفرانس جهانی بسر برستی ملل متفق منعقد گردد. در این کنفرانس اغلب کشورهای جهان دعوت خواهد شد. امیدواریم طرح منشور سازمان بین‌المللی بازرگانی که از طرف کمیته مقدماتی تنظیم یافته مورد قبول واقع شود.

این جریانات باید موجب پیدایش يك موافقت متقابل برای کم کردن سدهای بازرگانی، برطرف کردن عملیات تبعیض کننده، و نیز وضع قانونی برای سیاست بازرگانی راجع بقیود بازرگانی که از طرف دول ایجاد گردیده و تضيیقاتی که در نتیجه عملیات بازرگانی خصوصی فراهم میشود همچنین قراردادهای مبادله کالا بین دول و طرح اساسنامه يك سازمان بین‌المللی بازرگانی گردد.

مقصد ما توسعه اقتصادیات جهان از راه ازدیاد تولید - توزیع و مصرف کالا خواهد بود. و روش ما برای نیل بدین منظور از طریق موافقت بین‌المللی میباشد.

در گذشته ملل در مسائل مربوط به بازرگانی بین‌المللی خود بطوریکه جنبه عمل میکردند این طرز عمل موجب رنجش همایگان خود شده و از اینرو همسایگان نیز تلافی بثل میکردند و آخر الامر صدمه بهرکس رسیده و همگی عصبانی بودند.

از این پس ما انتظار داریم که کشورها موقفی دست بکاری زنند که قبلاً با هم مشورت کرده باشند، آنهم توسط دستگاه سازمانی که برای بازرگانی بین‌المللی پیشنهاد شده است. من احتیاجی به استدلال در حضور این اجتماع راجع بگوشزد کردن اهمیت اقداماتی که برای معاوضه کالا و خدمات بین ملل در نظر است ندارم، اگر به سدهای زائد که در راه این امر مبادله موجود است حمله ور میشوم بوی آن است که میخواهم يك سطح مترقی زندگی برای ملت خود و سایر مردم فراهم سازم. اگر چه این مسئله بخودی خود نمیتواند ضامن صلح باشد ولی پیدایش يك سطح عالیتر زندگی در هر جا يك محیط و انوسفری خلق میکند که خود وسیله حفظ صلح در جهان خواهد شد.

تجربه معلوم ساخته است که طرز و نوع مبارزه اقتصادی که از طرف اغلب ملل در فواصل بین جنگ پیروی میشود تخم نفاق را پاشیده و هرگونه موافقت بین‌المللی را نسبت به عناصر اصلی صلح بی اثر و غیر ممکن میسازد.

اینک عمده انتقادی که نسبت به برنامه ما میشود آن است که ما از همان روشی که بعد از جنگ جهانی اول پیش گرفته شده بود داریم پیروی مینماییم که عبارت باشد از تشویق و تحریک صادرات بوسیله قرض دادن به خارجه که در خاتمه نتیجه اش توسعه غیر عادی و ناسالم در عمل تولید بوده و از

سیاست اقتصادی خارجه کشور های متحده آمریکا

پس آن وقتی که عمل قرض دادن موقوف گردید و وصول مطالبات مقدور نشد سقوط واضمحلال خواهد بود. بدتر از همه اینکه تازه بما لقب «عموشایلوک» خواهند داد و بجای دوست برای خود دشمن تراشیده ایم. خوب آنچه که گفته میشود شرح وقایع بعد از جنگ جهانی اولی است گرچه فقط قسمتی از آن تاریخچه میباشد. در آن جنگ ما در مقابل متفقین خود قروضی عهده دار شدیم که سربه بلیونها دلار مهمات و لوازم میزد که بآنها داده و آنها بطرف دشمن مشترك خالی کردند. این دفعه عاقل تر شده بودیم. از متفقین خود تقاضا نکردیم که چیز هائی که برای دفاع مشترك ما مصرف شده یا منهدم میگردد به جنس یا به نقد پس بدهند چون میدانستیم که قادر به پس دادن آنها نیستند.

گرچه راست است که بعد از جنگ اول جهانی خیلی از سرمایه امریکا در خارجه بقرض داده شده یا بکار انداخته شده و نیز راست است که وقتی این عمل میشد کنگره هر روز تعرفه سنگینی به تعرفه دیگر اضافه میکرد بطوریکه برای خارجیان موضوع پس دادن قرض مشکل بود ولی با وصف تمام اینها با آنکه موارد فوق العاده بدی نیز مشاهده شده است به آنهایی که سرمایه خود را به خارجه داده بودند چندان بد نگذشته است.

بررسی که در وزارت بازرگانی بعمل آمده است نشان میدهد که در جمع سرمایه هائیکه در خارجه بکار رفته و تقریباً بالغ بر ۱۳ بلیون دلار میشود سرمایه داران امریکائی در ظرف ۲۱ سال از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ در حدود ۱۲ بلیون دلار بعنوان بهره و سود هاید کرده اند. در آخر سال ۱۹۴۰ وجوهی که در خارجه بکار رفته بود هنوز در حدود ۱۰ بلیون دلار برآورد میشود.

خوب طور دیگری بگوئیم سرمایه دهندگان امریکائی عملاً ۳ در صد در سال از بابت پولی که داده بودند در مدت ۲۱ سال بعلاوه ۳۰ در صد از اصل سرمایه خود را دریافت کرده و با محسوب داشتن بقیه ۷۰ در صد تعصیباً نسبت به هر یک دلار ۱۰۰ سنت عاید نموده است.

بآنهايي که پولشان را در خرید اسناد راه آهن های امریکا و اسناد املاک غیر منقول بکار انداختند چندان خوش نگذشته است. *ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

این دفعه در هوس بالا بردن تعرفه راه بهتری آموخته ایم. برعکس پیشنهاد میکنیم که متقابلاً تعرفه هائی را در نظر گرفته و کم سازیم و هرگونه موانع دیگری که در راه مبادله کالا موجود است از بین برده شود تا بدهکاران قادر شوند قرض خود را ادا کنند. ممکن است به خرید کالا های مازاد ما ادامه دهند برای آنکه سطح زندگانی آنها ترقی کند و نه تنزل.

ولی متقدمین میگویند (این فرمایشات بسیار پسندیده است. سیاست شما هم محبوب خواهد بود ولی این محبوبیت تا زمانی خواهد بود که در آمد و وجوه حاصل شده از وامهای شما برای ازدیاد صادرات - تولید و پیدایش کار مصرف میشود.

صبر کنید همین که قرض کننده با ارسال و حمل کالا بدول متحده برای رقابت با محصول خودمان شروع به تأدیه قرض خود نموده آنوقت خواهید دید چه خواهد شد. تولید در اینجا نقصان یافته بیکاری مرض اقدام کرده و کسادى سر خواهد گرفت.)

این نظریه تغییرات مهمی را که در ۱۰ سال گذشته در اقتصادیات داخلی ماداده شده بحساب

نمیاورد. با ازدیاد محسوسی که جمعیت این کشور نموده و ترقی که اقتصادیات داخلی در حدود ۵۰ درصد یافته احتیاج بیشتری بهر نوع کالا های خارجه داریم و برای بکار انداختن وسائل عظیم تولید و اجناس اصلی نیازمند واردات بس زیادی خواهیم بود.

از طرف دیگر وسائل تولید کالاهای مصرف عمومی (Consumer goods) نسبتاً در ده سال گذشته افزایش کمتری یافته و در نتیجه محتاج به وارد کردن مقادیر بیشتری از اینگونه اجناس خواهیم بود تا بتوان احتیاجات جامعه مرفه الحال و رشد کننده ایرا مرتفع ساخت.

قدری کمتر از يك بلیون دلار در سال برای مدت ۲۵ سال از خانه جنگ بیعد لازم خواهد شد تا کلیه اعتبارات خارجی که از طرف حکومت ما داده شده است با محسوب داشتن پرداختهایی که به بانک بین المللی و بنکاه پولی شده مستهلك گردد، بعد از چند سال این مبلغ باید به تنهایی از محل خرجهای سالانه سیاحان امریکائی برسد.

بسیاری از مردم تصور مینمایند کشور های متحده کشوری است تقریباً مستغنی بذات. این مسئله هیچوقت به معیار زندگی نوین امروز حقیقت نداشته و امروز نیز کمتر از گذشته صحت دارد. بواسطه جنگ منابع کشور ما خیلی تهی شده است اینک باید بسیاری از فلزات و مواد معدنی مانند مس - سرب و روی که قبل از جنگ حتی بعضی اوقات صادر میکردیم به کشور خود وارد نمائیم. امروز باید در حدود ۱۵۰ (یکصد و پنجاه) تا ۲۰۰ میلیون دلار مس تنها وارد نمائیم و حال آنکه قبل از جنگ گاهی مس نیز صادر میکردیم. در واقع امروز ما وارد کننده تقریباً فلزات و مواد معدنی مهم باستانی دو قلم ذغال و نفت میباشیم. کمی میداند تا چند وقت دیگر خواهیم توانست از ورود نفت بی نیاز باشیم؟

در گذشته تشدید بازرگانی خارجی ما روی صادرات قرار داشت در آتیه نزدیک شاید روی واردات ما قرار گیرد. این مسئله حتمی است. بعلمت آنکه از جرگه بدهکاران به جرگه طلبکاران وارد شده ایم بعلمت آنکه منابع طبیعی ما تهی شده و مواجه با احتیاجات متمدنی يك جمعیت ثروتمند میباشیم. هیچ ملتی در این زمانه نوین نمیتوان متوقع باشد که مدت مدیدی بدون يك بازرگانی خارجی روز افزون از يك زندگانی متمدن گذرد. **مجله ایران و امریکا** چون نیازمندی ما بواردات فلزات و مواد معدنی که برای ما اهمیت استراتژی دارد محرز است این است که نسبت بانچه ممکن است برای ذخائر اینگونه فلزات در خارجه که تعلق بامریکا دارد بیش آمد کند احساس نگرانی ملی مینمائیم.

ما تقاضای مزایای خاصی نداریم. بنگاههای امریکا در خارجه احتیاج به رفتاری منصفانه و استفاده از حق جریان آزاد محصول خود به بازار آزاد دارند.

علاقه و نگرانی دولت ما متوجه حقوق کلیه بنگاههای اتباع امریکا در خارجه است که مشغول تشبثات مشروع میباشند. رفتار با آنها همانطوری خواهد بود که در عهد نامه های مودت بازرگانی و بحر پیامی نظیر عهد نامه ای که در هفته گذشته با چین منعقد ساختیم مقرر است.

ما جداً مشغول تنظیم برنامه بزرگی هستیم که اینگونه معاهدات را با هر دولت دیگری منعقد سازیم.

سیاست اقتصادی خارجه کشور های متحده آمریکا

منظور از برنامه آن است که عهدنامه‌های موجود که برخی از آنها در حدود يك قرن كهنه میباشد مشمول این برنامه نموده و بسبب نو در آوریم در این عهدنامه‌ها موضوع حقوق اصلی اتباع - اصناف - کالا و کشتی‌های امریکائی در کشورهای خارجه تعیین میگردد. این عهدنامه‌ها از اکثر لحاظ کاملاً مشترك بوده در آنها همان حقوقی که دول متحده دریافت مینماید برای سایرین نیز تأمین میگردد. اینها در واقع مقررات طرح منشور سازمان بین‌المللی بازرگانی را از لحاظ سدهای بازرگانی تکمیل میسازد.

بدیهی است این نقشه‌ها و برنامه‌ها که امشب مورد بحث ما واقع شده است اگر قادر نباشد که حق را بامسئله صلح جهان توأم سازد در این زمانه حائز مننی و اهمیت خاصی نخواهد بود. گرچه همه جنگهایی که بروز کرده علت اقتصادی نداشته ولی اکثر آنها بهمین علت بوده است.

این مسئله سازمان ملل متفق که شورای اقتصادی و اجتماعی با شورای امنیت از ارکان اصلی آن میباشد مورد شناسائی واقع گردیده است.

برنامه برای بسط و توسعه اقتصادیات جهان و تشبیه مبانی صلح اقتصادی بین ملل که همواره نام محبوب کردل هول با آن توأم خواهد بود برنامه ای است ملی که بتصویب هر دو حزب رسیده است و کارگران و کشاورزان و صنایع نیز آنها تقویت میکنند و فقط صنایع محافظه کار که معتقد به سیاست حمایت شدید در بازرگانی بوده و جویای منافع خاصی میباشد با آن مخالفت میورزند. شورای ملی بازرگانی خارجی همیشه پیشرو و علمدار حامیان برنامه ما بوده است.

منظور ما بالاخره با مراعات دائمی و پشتیبانی مردم امریکا عملی خواهد شد. هیچ نمیتوان لحظه‌ای فکر متروک داشتن آنها بغضاطر خطوط داد چون ترك آن قدمی به قهقرا بوده و عواقب وخیمی برای صلح و آرامش جهان در بر دارد.

فقط دو راه اقتصاد برای ما باز است. یکی بقهقرا یعنی همان اشتباهات غم انگیزی که بعد از جنگ جهانی اول مرتکب شدیم و دیگر چگونگی بطرف سعادت و صلح جهانی حال کدام راه را باید اختیار نمود؟

پاسخ بسته به نظر شما و من است و اینک صلح و چهار میلیون امریکائی دیگر.